

به نام آن که جان را فکرت آموخت

ماله بار

(دوبیتی های نری)

دکتر مصطفی مبارکی

سرشناسه	: مبارکی، مصطفی،
عنوان و نام پدیدآور	: ماله بار : دوبیتی های لری / مصطفی مبارکی.
مشخصات نشر	: یاسوج: انتشارات رزبار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۶۸-۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر لری -- قرن ۱۴
موضوع	: Lori poetry -- 20th century
موضوع	: شعر لری -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: Lori poetry -- 20th century -- Translations into Persian
رده بندی کنگره	: PIR۲۲۸۴
رده بندی دیویی	: ۸۷۹ / ۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۰۴۳۰۸



نشانی ناشر: شیراز، صندوق پستی ۷۱۴۵۸۵۶۱۸۵
تلفن: ۰۷۴۲۲۲۲۲۲۰۲ - ۰۹۱۷۳۰۴۰۴۵۱

ماله بار

(دوبیتی های لری)

مصطفی مبارکی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۹ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۶۸-۶-۷ / طراح جلد: مصطفی مبارکی / صفحه آرا: اطلس دهقانی
چاپ و صحافی: صبح امروز / قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

Printed in the Islamic Republic of Iran-Shiraz

حق چاپ محفوظ است.

کتابخانه ملی
۷۱۴۵۸۵۶۱۸۵

دیباچه

در شناسش فرهنگ همگانی (عامه) و ارزش آن، تاکنون بسیاری از پژوهندگان بیان دیدگاه کرده‌اند. آن چه از گردایش شناسه‌های موجود برمی‌آید، این است که فرهنگ توده شناسی (فولکلور) دربرگیرنده‌ی تمام داستان‌ها و بازمانده‌های فرهنگی، اجتماعی، آیینی و حتی سیاسی و اقتصادی است که بر زبان انبوه مردم از نسلی به نسل دیگر جابه‌جا می‌شود.

در قلمروی فرهنگ همگان، ترانه‌ها با توجه به طول هم سنگ، گوناگونی مفاد و داشتن موسیقی مناسب و به‌موازات آن ذهن پذیر بودن، از فراگیرترین گونه‌ها هستند. برخی پژوهندگان، ادبیات فولکلور را ناهمگون با ادبیات کلاسیک عمدتاً منتور می‌دانند.^۱ با این حال ترانه‌های موزون از آن جا که دربرگیرنده‌ی دردها، احساسات و باورهای توده‌ی مردم هستند. از دیرباز در ادب فارسی ارج داشته‌اند. این مقفع زبان‌های رایج فارسی در سده‌های آغازین پس از اسلام را فهلوی (زبان مردم اصفهان، ری همدان و آذربایجان)، دری (زبان شهرهای مدائن و زبان رسمی دربار)، فارسی (زبان اهل فارس و زبان موبدان)، خوزی (زبان غیررسمی رایج بین اشراف و ملوک) و سیریانی (زبان اهل بین‌النهرین و احتمالاً همان زبان کردی) می‌داند. از این گفته می‌توان چنین برآیند کرد که، همان‌گونه که زبان دربار و تا حدودی زبان موبدان، شالوده‌ی ادب رسمی فارسی را در سده‌های پس از اسلام شکل داده، دیگر زبان‌ها و لهجه‌های محلی، پایه‌گذار ادبیات محلی و همگانی بوده‌اند.

بهار، ترانه را هر قطعه‌ی کوچکی محسوب می‌کند که آهنگی از آهنگ‌های موسیقی را دارد. او این دسته اشعار را فهلویات و نام ملی آن را دوییتی می‌داند. البته ترانه در معنای همگانی آن مجموعه آثار آراسته‌ای است که پس از اسلام

^۱ - مرادی، محمد، «معرفی وزن‌های رایج و نوع خوانش عروضی در ترانه‌های محلی فارس»، فصلنامه‌ی

در زبان‌ها یا لهجه‌های غیر از فارسی رسمی سروده شده است و چنان‌که در کتاب‌های انواع ادبی و تاریخ ادبیات دیده می‌شود، این دسته اشعار از همان سده‌های آغازین بین ایرانیان کرانه‌های گوناگون شایع بوده است.

ادبیات سرودی (غنائی) امروز ایران، بازمانده‌ی روش ادبیات گفتاری به‌ویژه در دوره‌ی پارتیان و ساسانیان است. روشی که پرچم‌داران آن، گوسان‌ها^۱ و خنیاگران آن روزگاران بوده‌اند که نقش آن‌ها، نگه داشتِ باورها، آداب، رسوم و فرهنگ بوده است. شاید بتوان گفت گران‌بهاترین ویژگی دوبیتی‌های همگانی، ساده و گیرایی بودن آن است؛ چه از تشبیهات کمیاب، کنایه، ایهام، جناس و چه از لحاظ لفظ و لحاظ معنی. این نوع از دوبیتی‌ها سایر صنایع لفظی و خودنمایی‌های باطنی و اندام ریخت‌های برگرفته از زبان عربی به دور است. شاید چرایی این سادگی واژه و انگیزه، زندگی ساده‌ی روستایی و عشایری باشد که به‌دوراز زندگی پرمطراق و زرق‌وبرق‌های شهری در دامنه‌های کوه و دشت در جریان است. دوبیتی‌ها را مردم از روی نیاز روان و کالبد سروده‌اند و در آن آمال و آرزوهایی را که به نهایت روشن و ساده بوده، به تندیس کشیده‌اند. اگر گوارایی در آن است به چرایی شادابی و راست‌گویی است که در سراینده‌گانشان وجود دارد. در حقیقت تاریخ و فرهنگ زنده و گویای مردمی است که شعر همگانی و ازجمله دوبیتی‌ها، احساس و مهرورزی را به‌گونه‌ای بی‌چون‌وچرا آشکار و دست‌نخورده‌ای مطرح می‌کنند. گذاردن و آشکاراندن و گونه‌های فر گفت و ماناک‌ها از جهت یاددادن به دیگران، آن‌قدر سهل و سرشتین است که هر خواننده‌ای می‌تواند حالات مهربانی و نشانه‌های درونی گوینده‌ی این متن را به‌درستی دریابد. درد و غم ناشی از شکست‌های عشقی، اندوه ناشناختگی (غربت) و گِلِه دختران جوان از

^۱ - به معنی خنیاگری است که اشعاری حاوی داستان‌های پادشاهان و قهرمانان گذشته، همراه با آوای موسیقی می‌خوانده است. در زبان پهلوی به کسانی که ترانه ملی و مردمی می‌خواندند و حماسه سرایی می‌نمودند گوسان یا گوسان می‌گفتند.

همسر گیری‌های اجباری و... در دل تمام کسانی است که این گونه از ترانه‌ها را از سویدای دل خود فریاد می‌کنند.

«دوبیتی گویشی» پیوند واژه و واژک‌هایشان است.^۱ صمغی از دل و جان است که نشانه‌ای هویدا از زندگی درونی آن‌ها دارد؛ تنها گفتار آشکار نیست که آنان را به بانگ و فریاد می‌کشاند، بلکه برشی از جان آسمانی است که از پیکر تن، جدا شده و از تنگنای قفس، اندایه و دادخواهی سر داده است؛ نیازهای سرکش درونی است که جان می‌گیرد، به سخن درمی‌آید و در پیکر ترانه‌ها تراش می‌خورد و مجموعه‌ای می‌سازد که شاعر، همه آرزویش را در درون آن می‌ریزد و خویشتن خویش را در مرکز این پیوند دین یاری جای می‌دهد. این پدیده‌ها در انگشتی شیفگان به مانند شمع هم‌دلان، روشنگر راه‌اند تا راه و روش را بجویند و در پرتو زیبایی‌اش به فرهیختگی روا شوند، آشکاراندن این نهانی‌ها و از درونی‌ها سخن گفتن، زمانی می‌طلبد که از نظر جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی از ارزشمندی دوچندان برخوردار است. ادبیات توده‌ی مردم (عامه)، مانداک مینوی و پایه‌ی گران‌مایه‌ی فرهنگ شهروندان است.

نوشتجات مردم استان کهگیلویه و بویراحمد نیز با نگاهی به دیرینگی و کهن‌سالی اقوام لر زبان، توانگری فرهنگی و ادبی سزاوار نگرشی دارد که فراوانی خرده‌فرهنگ‌ها و پراکندگی گویش‌ها، عامل پشتیبان کننده این دولتمندی فرهنگی است.^۲ گونه‌های شعری «یار یار»، «بیت» و «شروه» در استان کهگیلویه و بویراحمد به چهره‌ی توانا خودنمایی می‌کنند. به شکلی که در گفتارهای ادبی و گویش‌های همه‌ی استان‌های لرخیز کشور تراوش بی‌همتایی داشته‌اند؛ و استان

^۱ - حسینی کازرونی، سید احمد، «بیان ادبی شعر و سرایش رباعی و دوبیتی»، تحقیقات تعلیمی و غنائی ادب زبان فارسی، شماره ۱۰، ۱۳۹۰، ص ۸۹.

^۲ - موسوی راد، سید مصطفی و کبیریان، زینب، «جزئیات پوشش سنتی زنان رفسنجان در دوبیتی‌های محلی»، فصلنامه ادب فارسی، شماره ۱، ۱۳۷۹، ص ۲۴.

کهگیلویه و بویراحمد از این بابت بدون هیچ ستایشی سرآمد است. ولی با همه‌ی این شرح و بسط‌ها دوبیتی به معنی ویژه‌ی آن در این استان پیشینه و پرونده‌ی پایداری ندارد. به زبان روشن‌تر می‌توان گفت در تاریخ ادبیات استان نشانه‌های بی‌شماری از فهلویات (دوبیتی به معنی فراگیرنده‌تر) به چشم می‌خورد، اما در مرتبه‌ی «دوبیتی به معنای گزیده‌تر» چیزی یافت نشده است. هرچند برخی از نویسندگان بر این باور هستند که رد پای از این گونه‌ی شعری در دهه‌های گذشته دیده شده است؛ اما آن چه از مورد گفت‌وگو دریافت می‌شود، آن است که دوبیتی‌های طرح‌شده، بیش‌تر از درون‌مایه‌های اشعار فایز دشتی هستند و رگه‌هایی از اشعار شاعران جنوبی به شکلی پراکنده در میان مردمان به شکل سینه‌به‌سینه برگردان شده است؛ و به این وسیله باید آشکار کرد که در زمینه‌ی سرایش دوبیتی مستمند بوده‌ایم؛ اما در چند سال واپسین، این تهی‌دستی به شکلی فراگیر بر طرف شده است. استان کهگیلویه و بویراحمد هم‌اکنون با وجود شاعران بزرگ در بحث «دوبیتی‌های گویشی» سرآمد و نامی است.

در اصطلاح انواع شعر، دوبیتی (Couplet) یکی از قالب‌های ریشه‌دار شعر پارسی است که شعری است یازده‌هجایی مرکب از چهار مصرع، همه بر یک قافیه (جز مصرع سوم که آوردن قافیه در آن اختیاری است) و هریک از چهار مصرع دارای معنی مستقلی است. دوبیتی متداول‌ترین قالب نزد همه اقشار مردم است. بنا بر نظریات استاد بهار اصل دوبیتی آن است که شاعر گفتاری را عنوان کند و آن را در دوبیتی ختم سازد و در مجموع نیروی احساسات و هیجان‌ها و درون خود را در لخت آخر بیان کند. نامدارترین وزن دوبیتی‌ها مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فاعولن (بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف) است.

در این کتاب تلاش فراوانی شده است تا با برگردان واژه به واژه‌ی دوبیتی‌ها به زبان فارسی، پیوند تنگاتنگ میان این زبان و گویش لری نگهبانی شود. به شکلی که سروده خوان را به پیوستگی دیرینه‌ی گویش لری و زبان فارسی

آسوده‌خاطر می‌کند. هم‌چنین برای بیان کردن دوبیتی‌ها، به‌ناچار از واژه‌ها و نشانه‌های نوشتاری نظامِ آوانگاری بهره‌جویی کرده‌ایم. این روش، بیان واژه‌ها را به‌خوبی آسان می‌کند. برای دستیابی به این آرمان، از بند واژه‌های نظامِ آوانگاری به زبان انگلیسی و چندین آوا که مخصوص گویشِ لُری است، کامیاب شده‌ایم. این بند واژه‌ها برابرِ چهارخانه‌ی زیر می‌باشند:

نشانه‌ی آوانگاری	آوا	هم‌پایه‌ی فارسی	الگو	سرمشق آوانگاشت شده
ä	آ	کله‌ی کوسفند	tavāl	توال
u	او	تازه	Nu	نو
č	چ	گودال	Čahl	چهل
x	خ	خودت	xot	خت
d	د (دی)	دود	dey	دی
š	ش	شراره	Belengešt	بلنگشت
ɣ	غ	محکم	yeft	غفت
q	ق	کاغذ	qavez	قاوز
c	ک	کینی	cni	کنید
k	ک (بین ک و یا)	نمک دان	nemekdun	نمیدون
g	گ	زنبور	gonj	گنج

دکتر مصطفی مبارکی. تابستان ۱۳۹۸